





شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دلنوشته

نام اثر: نبض عاشقی

نام نویسنده: علی خسروشاهی

ژانر: عاشقانه

طراح: TALAYEH

ویراستار: PEGAH.A

کپیست: گلبرگ

این کتاب در سایت **تک رمان** آماده شده است

www.taakroman.ir

مقدمه:

شب بود. کنار عکس‌ها نشسته بودم.
به عکس‌ها نگاه می‌کردم و به یاد لبخندهای تو که با وجود سختی‌ها، همیشه لبخند بر لب داشتی، اشک می‌ریختم.
تو آن کسی بودی که در تمام روزهای سخت من، به من گفتی که دوستت دارم.
تو آن کسی بودی که من با تمام وجود خواستم به خاطر عشق، در کنارش باشم.
تو آن کسی بودی که برای لحظه‌هایی که حتی فکرش را نمی‌کردم به تو فکر کنم، به تو فکر کردم.
تو آن کسی بودی که من با تمام وجود، در کنار تو نشستم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو، تمام خستگی‌هایم را به جان خریدم.

شب بود، کنار عکس‌ها نشسته بودم.
به عکس‌ها نگاه می‌کردم و به یاد لبخندهای تو که با وجود سختی‌ها، همیشه لبخند بر لب داشتی،
اشک می‌ریختم.

تو آن کسی بودی که در تمام روزهای سخت من، به من گفتی که دوستت دارم.
تو آن کسی بودی که من با تمام وجود خواستم به خاطر عشق، در کنارش باشم.
تو آن کسی بودی که برای لحظه‌هایی که حتی فکرش را نمی‌کردم به تو فکر کنم، به تو فکر کردم.
تو آن کسی بودی که من با تمام وجود در کنار تو نشستم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو تمام خستگی‌هایم را به جان خریدم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو، تمام رنج‌هایم را به جان خریدم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو تمام لحظه‌هایم را به عشق تو به جان خریدم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو تمام لحظه‌هایم را به عشق تو نفس کشیدم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو تمام لحظات زندگی‌ام را با تو و به عشق تو، به زندگی سپری کردم.
تو آن کسی بودی که به خاطر تو تمام وجودم را از درون خود برای تو پاک کردم.
تو آن کسی هستی که تا پایان عمر دوستش دارم!

دوباره اشک از روی پلک‌ها می‌ریزد؛

اما دیگر از غم نیست

از خوشحالی عشق دوباره است

فقط اشک نیست که اشک می‌ریزد

اشک‌ها را دوست دارم

دوست داشتن تو موجب ریختن اشک می‌شود

به اندازه تمام اشک‌هایم، ای یار تو را دوست می‌دارم!

دریا همچنان پر موج است و من هنوز خیره به عکس‌ها.
 تابه حال که یک ساعت از این لحظه گذشته، هنوز هم در قلبم این دریا می‌تپد.
 حالا این دریا می‌خواهد این عکس‌ها را بگیرد.
 کاش می‌دانستی که من در این دریای بی‌کران غرق شده‌ام و تو در من غرق گشته‌ای!
 کاش می‌دانستی که من تو را در آغوش می‌کشم، آغوشی که در آن هیچ احساسی جز عشق نیست!
 این امواج دریا تنها احساسی می‌تواند باشد که من را به سوی تو می‌کشاند.
 این امواج دریا فقط احساسی است که می‌تواند باعث آرامشم شود.
 این امواج دریا فقط احساسی است که می‌تواند این بغض را فرو بنشانند و با این عشق مرا آرام کند.
 این امواج دریا فقط احساسی است که می‌تواند این تنهایی مرا رها کند و با این عشق مرا به سوی تو
 می‌کشاند.
 این امواج دریا فقط احساسی است که می‌تواند این دل خسته را با خود ببرد.
 کاش می‌دانستی که من در امواج این دریا به دنبال چه می‌گردم!
 آری، دنبال تو می‌گردم.

عشقم تمام زندگی من و تو بود؛
 ولی من خیلی دوست داشتم با تو، با تو بودن را!
 برای همین هم به عشقت ایمان آوردم.
 تو برایم همانی هستی که دوست داری و خودت هم می‌دانی که من عاشق توام و تو به عشق من
 ایمان داری.

من با تمام وجود دوستت دارم
 تا مرگ بیاید و ما را ز هم جدا کند!

ای دلبر من، ای زیبای من،
 ای عشق من ای گل من،
 ای همه عشق من،
 ای همه مهر من،
 ای همه هستی من،
 ای که شب‌ها کنار تو به خواب می‌روم و سحر به عشق تو بیدار می‌شوم،
 ای که همیشه و در همه حال به یاد منی، ای هم نفسم،
 ای که در همه لحظاتم در کنار منی،
 ای که همه وجودم از عشق تو لبریز است،
 ای که در هر لحظه‌ام حضورت را حس می‌کنم،
 ای که مرا به سوی خودت می‌خوانی ای که مرا به سوی خود می‌کشانی،
 ای که همه وجودم به عشقت پر شده است،
 ای که مرا به سوی خودت می‌خوانی،
 ای که از عشق تو در دل دیوانه‌ام دیوانه شدم،
 ای همه جانم
 همیشه و همه جا خواهم گفت دوستت دارم!

در آسمان تاریک

میان این همه ستاره، تو ستاره‌ی منی .

عشق من زیباترین ستاره آسمان

دوستت دارم !

بی هیچ بهانه‌ای

از تو می‌نویسم

تا که در خواب‌های شبانه‌ام

تو را پیدا کنم

و در بیداری

تو را در آغوش بگیرم

و برایت بگویم

دوستت دارم!

زین سبب عشقت مانند سیگار است

چشم‌هایت چون ستاره در جهانی دیگر است

از عشقت چون پرستو بر دریا پرواز کنم

با نوای عشق تو یارم یرم را باز کنم

موهایت مانند دریا پر موج است

و تو می‌دانی در این دریا چه می‌گذرد؟

من نمی‌دانم از کجا شروع کنم؛

اما می‌خواهم در این دریای بی‌پایان عاشق تو باشم.

من تو را از خود بیشتر دوست می‌دارم

ای یار که بی تو زندگی سخت است

ای یار که بی تو زندگی مرگ است

دل کندن از این دنیای پر غم سخت است

اما خدا را شکر می‌کنم که در همین لحظه به فکرم هستی ای یار!

تو مرا از درون خود بیرون خواهی کرد
هرچه باشد من تو را دوست دارم!

عشق برای من عذاب است
همین عذاب است که جذاب است
همین عذاب است که دوست داشتنی است
همین عذاب است که خواستنی است.

برگ ها ریختند و عاشقی را به میان آوردند.
عاشق از عشق می گفت و عشق از معشوق
با این همه اما عشق هم مانند پروانه ای گمشده بود در دست های عاشق و معشوق
وقتی پروانه به انتهای مسیر رسید عشق را یافت، به اوج رسید و عاشق و معشوق، آن را با تمام وجود
حس کردند و به عشق رسیدند.
وقتی عشق را احساس کردند، عاشق گشتند!

عاشق

عاشق...

نبض عشق در من عاشق است
و تپش های قلبم در رگ های
عشق را در قلبم حک می کنم
و عشق را در قلبم حس می کنم

برای همیشه در قلبم بمان

و بدان که برای من هستی!

هزاران بار دیگر گر به دنیا آیم بازهم عاشقت خواهم شد

و باز هم دوستت خواهم داشت.

اما این بار با تو، با تو که مثل یک پروانه‌ی عاشق هستی و همیشه با من می‌مانی، با تو که یک پروانه‌ی دوست داشتنی و زیبا هستی.

و من با همه‌ی بدی‌ها و زشتی‌هایم عاشقت خواهم شد.

بازهم از عشق می‌گویم و از عشق به تو.

دوستت دارم!

زمین گر برای تو باشد، خاکش برای من خواهد بود.

دریا گر برای تو باشد، موج آن برای من خواهد بود.

شب گر برای تو باشد، ماهش برای من خواهد بود.

دنیا گر برای تو باشد، تو برای من خواهی بود.

من همه‌ی لحظات زندگی‌ام را برای تو می‌خواهم.

یارم مرا در تمام لحظه‌های زندگی‌ام دوست داری.

تو مرا در تمام لحظه‌های زندگی‌ام در آغوش می‌گیری.

تو مرا با تمام وجودم دوست داری!

تو مرا با تمام وجود عاشق خودت می‌دانی و احساس می‌کنی که دوستت دارم.

من عاشق تو هستم.

من تمام لحظه‌های زندگی‌ام را برای تو خواهم گذرانید.

هزاربار عاشقت شدم و عشق گناه نیست؛ چون دلبر من از هزار معشوق، معشوق تر است.

لعل تو برای من شیرین است، وای که چشم تو بر من خنجر زده است از جنس عشق یارم

هرچند که من گناهکارم ای دلبرم؛ لیکن تو کریم و مهربان من هستی!

همیشه به تو گویم، عشق بلایی است که تو بر جان من دادی. این بلا شیرین ترین بلا است!

در هوای بارانی همان طور که می‌دانی، قدم زدن همراه تو و زیر چتر حرف زدن‌هایمان را دوست دارم.

معجزه عشق چنین کند با ما که همه‌ی زیبایی‌اش مرا عاشق تو سازد ای یار.

ای دلبر من ای زیبای من

ای تو که خلوت نشینی بیا که باید کنار من نشینی

تو که می‌توانی راحت بر رنج و غم من افزون کنی، این کار را نمی‌کنی؛ زیرا می‌دانی عاشق ترین عاشق

دنیا منم.

تمام زندگی‌ام را می‌خواهم صرف تو کنم یارم.

در تمام زمان‌هایی که در زندگی‌ام بودی، فقط به تو فکر کردم.

تنها چیزی که به یاد دارم این بود که تو را در تمام زندگی‌ام دارم.

من تو را در تمام طول زندگی‌ام دوست دارم.

نبض های عاشقانه

حرف های عاشقانه

شعرهای عاشقانه

قلب من به عشق تو می تپد

عشق من نیز در قلب تو می تپد

بیا تا رگ هایمان باهم یکی شوند

بیا تا نبض هایمان باهم یکی شوند.

ای عشق، تو آغاز منی!

ای عشق، تو پایان منی!

ای عشق، تو درمان منی!

ای عشق، تو معنای منی!

ای عشق که مرا دیوانه وار عاشق خود ساختی و از آن روز، عشق من به تو آغاز شد.

من عشق را با تمام وجودم دوست دارم. عشق به تو تا انتها و تا ابد ادامه دارد. تو را دوست دارم!

من در عشق، به تو و عشق می ورزم و عشق به تو را با تمام وجود حس می کنم.

عشق من در قلب تو می تپد و عشق تو در قلب من!

من عشق به تو را در قلبم جا دادم.

عشق من به تو عشق حقیقی است.

عشقی که از قلب من شروع شده است و در قلب تو پایان خواهد یافت.

من عاشق تو و تو عاشق من.

ای عشق، تمام زندگی من تو هستی که تمام وجودم را تسخیر کردی!
 عشق یعنی این همه راز و نیاز با تو یارم هر روز بیشتر می شود.
 عشق یعنی هرروز با تو زندگی کردن و در تمام لحظه های زندگی در کنار تو بودن.
 عشق یعنی با تو بودن که با تو بودن را در عشق معنا کردی.
 عشق یعنی همه روز با یاد تو بودن و تا به امروز که این دنیا با من است از هیچ چیز خسته نمی شوم
 تا به امروز که زندگی با من است تمام عشقم را به تو تقدیم می کنم.

بودنت آرامش دل من شد!
 از اون لحظه ای که تو رو دیدم آرامش قلبم، آرامش دلم شد.
 جانم به قربان چشمان زیبایت ای یار نازنینم،
 ای مهربان ترین یارم ای محبوب دل ها!

ای طیب دل دردمند من! ای یار بی همتا!
 ای بهترین تکیه گاهم! ای محبوب دل بی پناهم!
 ای که همه وجودم از عشق تو لبریز شده!
 ای که تمام وجودم عاشق تو شده!

ای که با تو زندگی معنا بگیرد
 ای که با تو زندگی شادی بگیرد
 ای که تنها عشق تو بر من بیارد
 ای که با تو زندگی در من بگیرد

ای که با تو زندگی یک لحظه گردد
 ای که با تو زندگانی یک نفس گردد
 ای که از عشق تو یک قطره شود دریا
 ای که با تو زندگی یک عمر گردد

عاشق و دلدار تو هستم ای یار!
 تا که در عشق تو مجنون شده‌ام حیرانم
 ای که من شده‌ام از عشق تو دیوانه و مست
 می‌آیم تا که به این عشق شوم قربان!

عاشقم چون به عشق تو گرفتار شدم
 من که دل دادم و از عشق تو سرشار شدم
 تا که در سایه‌ی مهر تو گرفتار شدم
 سال‌ها با دل و جان در پی دلدار شدم
 چون که در پرده‌ی راز عشق تو اسرار شدم
 با دل و جان به کوی تو خریدار شدم
 همچو پروانه به عشق تو دچار شدم

عقل، دیوانه‌ی تو هست و قلب عاشق تو!
 تو یک پروانه هستی و من یک عاشق دیوانه‌ی تو!
 به نام عشق که جان من و توست
 به نام عشق که پایان من و توست

نبض‌های عاشقانه در رگت تپیدن گرفته است.

با تمام وجود دوستت دارم!

به اندازه‌ی تمام روزها و شب‌هایی که به خاطر عشق با تو زندگی کردم

به اندازه‌ی تمام ثانیه‌هایی که تو را در آغوش گرفتم و نفس کشیدم

و لحظه لحظه زندگی‌ام را از عطر وجودت پر کردم.

عطر وجودت برای من آرامشی دارد که هیچ‌کس به آن نمی‌رسد.

من این همه دل را برایت می‌دهم تا به تو ایمان بیاورم.

به تو که مرا به پاکی و صداقت و پاک بودن و مهربانی‌ات هدایت کردی و به تو که به خاطر عشقت به

من عشق ورزیدی.

قلب من با عشق تو زنده است

و هرچه می‌گویم از عشق تو شیرین تر است

عشق تو را در قلبم دارم و از عشق تو لذت می‌برم.

خواب جهان برآید از نبض عاشقانه

خورشید عاشقان را در خواب عاشقانه

در خواب و بیداری ببینم عشق تو را

جان خود را هم میدهم که ببینم تو را.

پایان!



این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید.

<https://taakroman.ir/>

<https://forums.taakroman.ir/>

